

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»

جزوه دست نویس حقوق مدنی

سلام خدمت کلیه عزیزان - این جزوه به صورت رایگان در اختیار پایگاه حقوقی اختبار برای داوطلبین گرامی آزمون وکالت قرار گرفته است

در این جزوه نکات مهم - کلیدی و مشابه که سر جلسه و هنگام تست زنی اکثرا فراموش می کنیم ذکر شده و در بعضی موارد برای ملکه ذهن شدن خیلی از اصطلاحات به صورت رمزی نوشته شده اند جهت مثال

خيارات مدت دار با کلید(حمت) که اول خياريات حيوان-مجلس-شرط/کد گذاری شده

و

خيارات خاص بيع با کلید (حمت) که اول خياريات حيوان-مجلس-تاخير ثمن /کد گذاری شده است/

شاید در ابتدا تفاوت این دو برای داوطلب اسان به نظر برسد اما در هنگام تست زنی اکثرا به دلیل استرس ذهنی و کمبود وقت برعکس جواب می دهند

من با این جزوه در آزمون وکالت سال 98 کاتون ایلام رتبه 15 و درصد حقوق مدنی 76 پذیرفته شدم که چکیده سه سال جزوه نویسی وده ها برگه نکته برداری من هست

با احترام

جعفرجعفرزاده

www.lawtoday.ir

وقف بزم معلوم صحیح است بجز آنکه موقوفه
وقف بر اساس دادن نفع زن واقف باطل است
بخزل متولی - شرط شده باشد - و نصف خای شرط کرده باشد -
الف مال خود را وقف نوه یا کسی کند - یا بکسوز بجهت نازار - این درست است
صداقت از نفع عذوقه و البیوه زن و اولاد است
قصد استثناء عقد نفعیه - عقد امانه
ایجاب - و پیشترت عقد معاوضه به کسی

بوام عقود دینی مقبول است - عین مقبول است - احدث المصلی غیر مقبول - ائمه - تقصیر - تقصیر - تقصیر
عقد دگرگونی با عفت یکی از طرفین موقوف می شود بحدی که جاریه اگر مالک بدست هر خردی که صلح کرده یا صلح است
عقد مزاجه و عفت طرفین موقوف می شود بر صلح است
و عفت است
و عفت است

و صفت بر وقف
و صفت بر عین مقصود
تعلیق در بناج - صفای - باطل
مکاتبات در عقد کفایت عقد - بناج - معاملات یا ندرت
معامله با خود عقد در مورد است - و مالک در بناج مقبول است - غیر معامله با خود است باطل
لغو به نفع ناله به ناله این وقتا م ابرای تقصد و عودت بالذمه زمان انعقاد عقد
از عین مینامد عقداست - دست به ناله ایفاج

در ۳ عقد علم اعمالی کافی است - صفای - صلح - عین
در ۳ عقد به واسطه اقله صلح یا صلح یا صلح است
اصل بر عقد به تنظیم است -
محل به عین که جعل به آن موجب جعل عینین بنا بر نظر اصول حقوقی
تا شرط حصولی که جعل به آن موجب جعل عینین بنا بر نظر اصول حقوقی

صلح به عین و عین به صلح - صلح به عین و عین به صلح
صلح به عین و عین به صلح - صلح به عین و عین به صلح
صلح به عین و عین به صلح - صلح به عین و عین به صلح
صلح به عین و عین به صلح - صلح به عین و عین به صلح

عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است

عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است

عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است

عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است

عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است
عقد در است - عقد در است - عقد در است

حکارت نان از استیاده داریس - دولت

تفسیر داریس - داریس

مان حضور (عقب) - مقام
مقام - مقام
مقام - مقام
مقام - مقام

عقد در این - حقوق و حقوق - دولت
عقد در این - حقوق و حقوق - دولت

تعلیق در - استاذ - باطل - عقد اول به وجود آمده
تعلیق در - استاذ - باطل - عقد اول به وجود آمده

بر عقد - حقوق - حق مین داریم
بر عقد - حقوق - حق مین داریم

عقد به وسیله اقاله به هم خورد با حق دولت زمین می رود
عقد به وسیله منقح به هم خورد با حق دولت زمین می رود

حصول در این به اقلیت ندارد اما با اکثریت
حصول در این به اقلیت ندارد اما با اکثریت

تلف مان - مثالی - مثل بیرون شدن قیمت حسن ادا (روز بد است)
تلف مان - مثالی - مثل بیرون شدن قیمت حسن ادا (روز بد است)

در عقب - نسبت به منافع - هر خاص است به منافع زمان خود و مانع خود ضامن است
در عقب - نسبت به منافع - هر خاص است به منافع زمان خود و مانع خود ضامن است

در عقب در - مناسبت خاص است - ابرای یکی نسبت به منافع
در عقب در - مناسبت خاص است - ابرای یکی نسبت به منافع

بیع نقد - بیع و منقح هر دو حال هر دو
بیع نقد - بیع و منقح هر دو حال هر دو

در عقب منقح - بیع و منقح هر دو حال هر دو
در عقب منقح - بیع و منقح هر دو حال هر دو

بیع به مقدار زمین - در وقت تسلیم می شود - بیع باطل
بیع به مقدار زمین - در وقت تسلیم می شود - بیع باطل

بیع جزئی زمین - اما در آن زمین بیع باطل و آن زمین از آن حسن باطل صحیح است
بیع جزئی زمین - اما در آن زمین بیع باطل و آن زمین از آن حسن باطل صحیح است

فروش ملک با سند - با سند - بیع و منقح هر دو حال هر دو
فروش ملک با سند - با سند - بیع و منقح هر دو حال هر دو

خيار مدت دار - هميشه - عنوان - مجلس - شرط
خيار خاص بيع - همت - عنوان - مجلس - تاثيرش
خيار اني که نه خوري ختمه مدت دار - تا دارنه - ميزان نه ليش (فوري)

خيار تکيه حق است نه عمل حقوق يا واقع حقوق
حيوان ۳۰ روز از همین عقد (زمان عقد)
آسيب ۳۰ روز
در بيع معين - خاص خوديار

خيار تلف از وصف يا روست - تا وضع يا به همان صورت قبول ميگردد
۳۰ خيار قابل ايقاعه حق يا تلف نه ليش - نقلين - نقد نيک

شرط - در مدت معين بر اسم بيع - مشتری - ۳۰ روز حق فسخ بدارد
عقود - فقط اينها غير به صورت ارادان توسط طرفين
مهر و مهره - مگر وارث تا بدار عقود با نقد يا ارث بدارد
در عين و اول در عين و اول

در خيار مجلس - عنوان - شرط - خيارات خاص
خيار اني که در عين لای راه دارنه - حکمت ج - عيب - نه ليش - تاثيرش
مشتری و بايهي تلف بخره شده مشتری

عيب - نقصا خياري است که فاضل نيک طرف متاخر است
مگر اين سه تا اثر تمام مان ايجاد دلت يا اثر در عين و در عين راه دارنه
مگر اين سه تا اثر تمام مان ايجاد دلت يا اثر در عين و در عين راه دارنه

در بيع شرط - اگر مشتری از نقدش خود بخره کند - بايع مي تواند بخره تا حاصله را فسخ کند
در خيار فديش - اگر مشتری حق را فسخ کند و بايع از نقد آن استماع کند - بايع خيار فسخ ندارد - حاصله را فسخ کند
در بيع - بيع بايه مي تواند
در جواهره - بيع مي تواند
مکن است نکونان

تفاوت صور ۵۲ - ۹۲ - تفاوت حري
تفاوت قانون مدني - حري و کنی يا موهوب

تمام اقسام در معاوضه راه دارد مگر مورد - همت - منفعه - ضمان معاوضي بديارت تسليم
اجاره به مدت محدود باطل است
انتفاع به - صحيح
صفت نکونان به گوهر اجازه دهد - که غیر با اجازه جعفر مان را به الا اجازه دهد - جعفري تواند اجازه اول گوهر را فسخ کند اما چاره آن
اجاره ۵۲ - مستحق بود ملک را به اجازه دهد
اجاره ۷۴ - نه حق دارد ملک را اجازه دهد مگر از اول بدیده باشد
مستحق اجازه موهوب - در ملک
در مضاربه - مصادقات ج - شرطش تمام شده من مضاربه را عامل کند - محقق باطل است - در مضاربه ج - باطل است اما مضاربه ج - جعفر
مستحق اجاره موهوب - در ملک

صحاربت - تضمین مضامع مستحق بين سرکار
معدی الامام
در مضاربه - مصادقات ج - شرطش تمام شده من مضاربه را عامل کند - محقق باطل است - در مضاربه ج - باطل است اما مضاربه ج - جعفر
مستحق اجاره موهوب - در ملک
مستحق اجاره موهوب - در ملک
مستحق اجاره موهوب - در ملک
مستحق اجاره موهوب - در ملک
مستحق اجاره موهوب - در ملک